بسم‌الله الرحمن الرحیم

[مفهوم وصف 2](#_Toc431287874)

[ادله بحث 2](#_Toc431287875)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc431287876)

[تشریح مسأله 2](#_Toc431287877)

[اجوبه بحث 2](#_Toc431287878)

[پاسخ اول 3](#_Toc431287879)

[ارزیابی پاسخ 3](#_Toc431287880)

[پاسخ دوم 3](#_Toc431287881)

[ارزیابی پاسخ 4](#_Toc431287882)

[پاسخ سوم 4](#_Toc431287883)

[استدراک از بحث 4](#_Toc431287884)

[تمثیل بحث 4](#_Toc431287885)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc431287886)

# مفهوم وصف

# ادله بحث

# مرور بحث گذشته

بحث پیرامون مفهوم وصف بود و اولین دلیل که برای قول به مفهوم وصف تمسک شده است، تمسک به اصالت الاحترازیه در قیود و اوصاف بود که مبنای آن همان دلالت زیادت مبانی بر زیادت معانی است؛ چرا که هر لفظ جدیدی که وارد کلام متکلم می‌شود بار معنایی جدیدی را دارد.

## تشریح مسأله

اصالت احترازیه در مقابل زائد بودن کلمه است. لذا اولاً زائد بودن و نداشتن بار معنایی جدید را نفی می‌کند. ثانیاً توضیح بودن آن را نفی می‌کند و ثالثاً تأکید بودن را نفی خواهد کرد. از این اصل که تعابیر مختلفی از آن وجود دارد، هم‌زمان این افادات را ارائه می‌دهد و این سه هدف زائد بودن، توضیح بودن و تأکید بودن را دفع می‌کند.

با توجه به این توضیح داده‌شده، گفته‌شده که از اصالت احترازیه، مفهوم استخراج می‌شود و برای مثال حکم را در اکرم العالم العادل از غیر عالم عادل نفی می‌شود. این استدلالی است که از گذشته در این باب بوده است.

## اجوبه بحث

از این امر به چند صورت جواب داده‌شده است؛

## پاسخ اول

از آقای خویی نقل‌شده است که اصالت احترازیه درجایی است که از مقوله حدود(حد تام و ناقص) و تعریفات باشد، اما در غیر تعریفات اصالت احترازیه نیست.

## ارزیابی پاسخ

این کلام دارای ضعف بیّنی است؛ چراکه اصالت احترازیه معنا شده و به تعریفات اختصاص نداشته و اصل بر این است که هر متکلمی هر سخنی که می‌گوید، حتی در مکالمات عرفی، هر کلمه و کلامی فراتر از زیادت، توضیح و تأکید، بار جدیدی را به دنبال دارد.

## پاسخ دوم

جواب دوم این است که مفهوم به معنی انتفاء نوع حکم نزد انتفاء قید و شرط است، اما در اصالة الاحترازیه انتفاء شخص حکم است که مفهوم نخواهد بود. اگر گفت اذا جائک زید فاکرمه، این اکرم اینجا یکی شخص حکم است که وجوب اکرام باشد که بر روی زید آمده است و قطعاً نفی حکم عند انتفاء قید است، ولی این مفهوم نیست؛ چرا که مفهوم نفی نوع حکم است یعنی نوع اکرام دیگر نباشد، لذا برای تحقق مفهوم باید نوع و جنس حکم محقق نباشد و الا نزد انتفاء موضوع این حکم شخصی نیز مسلوب خواهد بود. درحالی‌که فرض بحث برداشته شدن تمام وجوه اکرام به نوع آن است.

در شرط عنایت زائده ای است چرا که شرط قید به موضوع نمی‌زند، بلکه قید به حکم می‌زد؛ لذا دارای مفهوم می‌گشت برخلاف وصف

همان‌طور که در لقب نیز بدین‌صورت است که اگر اکرام شخصی برداشته شود، مفهومی انتزاع نخواهد شد.

## ارزیابی پاسخ

این پاسخ برخلاف جواب اول، صحیح است.

## پاسخ سوم

جواب سوم از اصالت احترازیه گفته‌شده، این است که گفته شود این حکم، حکم جدیدی است اما به این معنی نیست که فاقد این وصف فاقد حکم شود، ممکن است فلسفه‌های دیگری در اتیان وصف در اینجا باشد؛ مانند اینکه ممکن است متکلم قصد بیان تدریجی حکم را دارد که مرحوم استاد آقای تبریزی این را می‌فرمودند یا ثمره بیان او در این حالت احترازی تأکید باشد و معنای وصف این نیست که انتفاء حکم را از فاقد وصف استخراج کند، چراکه اثبات شئ نفی ماعدا را نخواهد کرد. اصالت احترازیه تنها عنایت داشتن بر روی این قید را نشان می‌دهد، اما به معنای سلب حکم از ماعدای آن نخواهد بود.

## استدراک از بحث

اما باید توجه داشت که تأکید گفته‌شده غیر از تأکید معروف است چراکه در اینجا حکم حقیقتاً جدید بوده اما چون یک‌بار حکم اکرام به عالم و باری دیگر به عالم عادل تعلق‌گرفته است، درمجموع اکرام فرد عالم مورد تأکید قرار می‌گیرد.

## تمثیل بحث

این حالت در مستحبات به‌وفور دیده می‌شود که هم مطلق عبادت و هم به نحو خاصی مستحب است که در کنار یکدیگر تأکیدی را پدید می‌آورند. مانند اینکه سلام به امام حسین (علیه‌السلام) مستحب است، علاوه بر اینکه سلام به‌مثل آنچه در زیارت عاشورا واردشده، مستحب مؤکد است.

## نتیجه‌گیری

بنابراین از احترازیت قیود مفهوم استخراج نمی‌شود و معنای احترازیت نیز این بود که شخص‌حکم را مشخص می‌کند و زائد و توضیح نیست و تأکیدی که حکم جدید نباشد را برمی‌دارد.